



اسناد موقوفات

اسماعیل سامانی در بخارا

◀ نوشته او. د. چخوویچ ▶

◀ ترجمه لیلا روبن شه ▶

◀ تعهدنامه دهقانی سال ۱۹۱۴

بر اساس سند مشکوک اسماعیل سامانی^(۱)

در سیاهه مخزن اسناد وقفی^(۲) بخارا از بایگانی مرکزی دولتی تاریخ ازبکستان «سند موقوفه اسماعیل سامانی» به شماره ۱۲۸۷ وجود دارد که در سال ۹۸۶ هـ ق از روی نسخه اصلی سال ۲۵۴ هـ ق رونویس شده و همراه با شش توافق نامه کامل و یک توافق نامه نیمه می باشد. احتمالاً منظور و. آ. شیشکین در کتاب بناهای معماری بخارا (تاشکند، ۱۹۳۶ م) در آنجایی که درباره آرامگاه اسماعیل سامانی نوشته است و به «سند موقوفه ای که آخرین رونوشت آن محفوظ مانده» اشاره نموده، همین مدارک مورد نظر او بوده اند.

در حال حاضر تنها عکس این اسناد که در کمیته معماری جمهوری ازبکستان با شماره ۳۴۹۹-۳۵۱۰ نگهداری می شوند، محفوظ مانده اند. این عکس ها از روی نگاتیوهایی ظاهر شده اند که دقیقاً از روی همان اسناد نام برده در سیاهه یاد شده می باشند یعنی: این عکس ها نه تنها با مضمون، بلکه با تعداد صفحات تعهدنامه دهقانی سال ۱۹۱۴ که در این سیاهه از آنها با عنوان «توافق نامه» یاد شده کاملاً مطابقت دارند. معیوب بودن یکی از این توافق نامه ها که بیش از نیمی از آن از بین رفته است، تاریخ نسخه اصلی فرضی این سند موقوفه اسماعیل سامانی (۲۵۴ هـ ق / ۸۶۸ م) و غیره است. فقط در تاریخ این سند اشتباهی رخ داده است. گویا در زمانی که این سند بازسازی می شد افراد بایگانی تدوین کننده این سیاهه، تاریخ آن را اشتباه خوانده اند، یعنی شکل عربی عدد ۶ را به جای عدد ۹ گرفته اند، و عدد ۷ را با عدد ۸ خلط کرده اند. در حقیقت، همان گونه که عکس ها نشان می دهند تاریخ بازسازی این سند فرضی اسماعیل سامانی، چهارم محرم سال ۶۷۶ هـ ق مطابق با ۷ ژوئن سال ۱۲۷۷ م است.^(۳)

از روی تاریخ بخارای محمد نرشخی که به زبان عربی در سده دهم هجری تدوین یافته و تنها شرح تاجیکی سده دوازدهم م و قسمتی از سده سیزدهم م آن تا به امروز به دستمان رسیده، پیداست که اسماعیل سامانی زمین هایی را در جاهای مختلف، از جمله در کانال سمجان خریداری کرده بود که قسمت های نام برده در این اسناد در آنجا واقع شده بودند، و سپس این زمین ها را برای اهداف خیریه، و گاهی به نفع فرزندان خود وقف نمود.^(۴) مؤلف سده دوازدهم^(۵) نسبت به زمین کانال سمجان نوشته است که در زمان او هنوز این زمین وقف نشده بود. در منابع متأخر نیز ما به موقوفات اسماعیل سامانی برنخورده ایم. امکان دارد که این عمل تنها در سده هیجدهم م احیا شده باشد. از سوی دیگر معلوم شده است که در بخارا تا انقلاب سال ۱۹۲۰ محله ای وجود داشته که فرزندان اسماعیل سامانی ساکنان

آنجا بوده‌اند و زندگیشان از محل درآمد حاصل از این موقوفات می‌گذشته است. در این کار، مؤلف به خاطر ضرورت، خود را تنها به مآخذشناسی محدود نمود. او به کمک همین سند و دیگر منابع قابل دسترس، بی‌اساس بودن این حدس را که این رونوشت از روی سند سده نهم تهیه شده است ثابت نمود. و اما در مورد صورت جلسه‌های پیوستی سال ۱۹۱۴، او آنها را به منزله نمونه‌ای از یک شکل از مناسبات ارضی که در خانات بخارای قبل از انقلاب واقعاً وجود داشته، منتشر می‌کند.

از روی عکس چنین استنباط می‌شود که سندی که در بایگانی به عنوان «سند موقوفات اسماعیل سامانی» به ثبت رسیده، باید طوماری به طول بیش از ۳-۴ متر و عرض حدود ۲۵ تا ۳۰ سانتی‌متر و از هشت ورق کاغذ به هم چسبیده به وجود آمده باشد. این طومار به صورت لوله پیچیده شده است (معمولاً در آسیای مرکزی اسناد را به همین صورت نگهداری می‌کنند). اثر خمیدگی روی کاغذ که بر اثر لوله کردن آن حاصل شده است بوضوح در عکس دیده می‌شود. مضمون متن آن در ۱۳۱ سطر نوشته شده و به هفت قسمت که در اصل هفت سند مختلف هستند، تقسیم شده است. حد فاصل بین این مدارک توسط کاغذ سفید مهوری از هم جدا شده است. تمام متن با یک خط، و به نظر می‌رسد در یک زمان نوشته شده است؛ خط آن به شیوه نستعلیق آسیای مرکزی است که این خود دلیلی برای اثبات زمان تحریر این سند است. از روی نشانه‌های پالئوگرافی اعلم شناسایی خط‌های باستانی، می‌توان گفت که این خط نمی‌تواند مربوط به قبل از سده هفدهم م باشد. حتی می‌توان گفت که این خط به زمان خیلی بعد مربوط می‌شود، زیرا این خط در سال‌های قبل از سده نوزدهم میلادی رواج یافت. مهرهای روی آن نیز تأییدی بر این امر است. بر روی مهرهای لوزی شکل آن که در هفده جا مهر زده شده بوضوح عبارت «سلطان امیر حیدر» خوانده می‌شود. این شخص در فاصله سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۸۲۶ در بخارا حکمرانی می‌کرد. بر روی مهر گردی که در شش جا نقش شده است اسم دادرس عالی میرزا محمدفاضل، پسر میرزا محمدامین نوشته شده است. این اسم بر روی دیگر اسناد هم دیده شده است (برای نمونه رک: سند شماره ۴۶۴ تاریخ سال ۱۷۹۶ موزه بخارا، و سند انستیتوی نسخ خطی مشرق‌زمین آکادمی علوم جمهوری ازبکستان با نام ف.چکلار، به شماره ۳۰/۲۴ به تاریخ ۱۸۰۹ تا ۱۸۱۰). بدین ترتیب، زمان رونویسی این نسخه را می‌توان از روی این خط و مهرها به آغاز سده نوزدهم میلادی نسبت داد. در ذیل، متن کامل طومار که از روی عکس برداشته شده آمده است. در ابتدای طومار، از لبه بالایی کاغذ بدون هر عنوان و یا سیاهه‌ای، صورت جلسه مربوط به بازسازی سند به دلیل فرسودگی نسخه اصلی نوشته شده است:

در روز جمعه چهارم ماه مبارک محرم سال ۶۷۶هـ (۷ ژوئن سال ۱۲۷۷م*) در دارالقضای شهر پایتخت مشهور بخارا- خداوند آن را از بلایا و مصیبت‌ها مصون بدارد- که پناهگاه نیک‌سیرتان، کانون شایستگی‌های سادات است، امیرسیدمحمد، پسر امیر سلطان حسین ملقب به میرساقیه حضور یافت، و نسخه‌ای از سند موقوفات مربوط به اموال وقفی سلطان اقدس فرهنگ‌پرور-تکیه‌گاه حصول به کمال-اعلی حضرت پادشاه اسماعیل سامانی را که کاغذ او به مرور زمان از بین رفته بود، آرایه، و تقاضای بازسازی این سند را نمود. ولی این پناهگاه فوق‌الذکر سادات، موقوفات موروثی بود که توسط مرحوم پادشاه اقدس یادشده بنیان نهاده شد. مطابق شرایط واقف، این مسؤلیت از پدرش به او رسیده بود. برطبق این قانون نورانی، او رییس موقوفات نام‌برده در بالا و در ضمن دارای قدرت اداره امور نیز بود. سپس این وقف‌نامه بدون هرگونه افزایش و کاستی بازسازی شد. و اما منشأ این پناهگاه نام‌برده سادات که از پادشاه اقدس فوق، به منزله یکی از فرزندان فرزندان فرزندان واقف است، در جریان دعوی قانونی به طریق قانونی مورد تأیید قرار گرفت، و این سند همان ادعاینامه است. در ضمن، در دست شخص نام‌برده شناسنامه‌ای با مهر قاضی نورالدین وجود داشت مبنی بر اینکه او از زمره نزدیکترین فرزندان ذکور فرزندان فرزندان فرزندان واقف است.

مهری به شکل لوزی به ضلع حدود ۲/۵ سانتی‌متر با سجع «سلطان امیر حیدر» بر روی سند زده شده است. در دو جای پشت سند، در محل اتصال برگ‌ها مهر امیر حیدر دیده می‌شود. بعد از این متن، سی و هشت سطر از متن سند موقوفه نوشته شده که مضمون آن ستایش بیش از حد و پر از ابهت، و توصیف حد و مرز اراضی وقفی است. ستایش آن به صورت نظم قافیه‌دار است و نمی‌توان آن را در ترجمه منعکس نمود. پس این بخش را حذف کرده و به توصیف حد و مرز اراضی می‌پردازیم:

● در اینجا و منبع، توضیحات داخل پرانتز از مؤلف این اثر است.



و اما آبادی پارکت از این جمله است. این آبادی که از زمرة آبادی‌های معروف ولایت بخارا است از تومان سمجان^(۱) به چهار طرف محدود می‌باشد (به قرار ذیل): از غرب به تپه ماهور شنی که تل پارکت نامیده می‌شود؛ از شمال به زمین آبادی خواجه اوبای؛ از شرق به زمین آبادی اوبای تاج‌الدین؛ از جنوب به زمین آبادی بیهان (بیجان). حد و مرز آن از همه طرف و همه نظر مشخص است.

دیگری، آبادی گرمابه است که جزو آبادی مشهور تومان سمجان ولایت بخارا محسوب می‌شود و از چهار طرف (به قرار ذیل) محدود شده است؛ از غرب به زمین مواتی که به هیچ‌کس تعلق ندارد و گستره آن به مرز خوارزم می‌رسد؛ از شمال به زمین کاکیشتوروان (قاکیشتوروان)، از شرق به زمین آبادی پارکت یادشده در بالا؛ از جنوب به زمین آبادی مزرعه خواجه دیزه، که معروف است. حد و مرز آن از همه طرف و همه نظر مشخص است.

و دیگری، آبادی خواجه اوبای از ولایت مشهور بخارا از تومان سمجان است که از چهار طرف محدود شده است (به قرار ذیل): از غرب به زمین مواتی که به هیچ‌کس تعلق ندارد؛ از شمال به نوار ممنوعه کانال عمومی؛ از شرق به زمین آسیاب کاتا (۲) که معروف است؛ از جنوب به قسمتی از زمین اوبای یادشده و قسمتی به آبادی پارکت. حد و مرز آن از همه طرف و همه نظر مشخص شده است.

و دیگری، آبادی نهر نوکنده (که کانال آن دوباره حفاری شده) که در مجاورت شهر مشهور بخارا و در سمت غرب این شهر واقع شده است. از غرب به زمین جوی بوت (کانال عیدولا)، از شمال به نوار ممنوعه کانال عمومی (رود)، از شرق به جاده عمومی؛ از جنوب به قسمتی که به گورستان مسلمانان منتهی می‌شود و سالار حجج نامیده می‌شود، و قسمتی که به جاده عمومی منتهی و به محل قره‌غول^(۳) می‌رسد. حد و مرز آن از همه طرف و همه نظر مشخص است. و این آبادی از توابع تومان بخارا، نوروود^(۴) است.

و دیگری، آبادی مزرعه علی‌شاه از تومان خوتفر^(۵) است، که از چهار طرف (به قرار ذیل) محدود شده است؛ از شرق به نوار ممنوعه کانال عمومی کوشک رسول و (یک محل) دیگر؛ از غرب به قسمتی از زمین محل پشکوه و قسمتی از زمین راه‌رخی که در ضمن خوب قلغان هم نامیده می‌شود؛ از شمال به قسمتی از زمین محل کوداسی و قسمتی از زمین محل راه‌رخی یادشده؛ از جنوب به قسمتی از نوار ممنوعه کانال عمومی و قسمتی به جاده عمومی، قسمتی از سمت غرب به کانال اصلی شناخته شده و قسمتی به نوار ممنوعه کانال^(۶) و قسمتی از سمت غرب به زمین و ابریق (۲). حد و مرز آن از همه طرف و همه نظر مشخص است.

و دیگری، محل اریاب کاتا از تومان خوتفر (هوتفر) است که از چهار طرف (به قرار ذیل) محدود شده است؛ از غرب به زمین محل کارتا؛ از شرق به زمین محل چیکتی؛ از شمال به زمین ترنا و از جنوب به زمین محل اسباب عین‌الدین. حد و مرز آن از همه طرف و همه نظر مشخص است.

یک قسمت از زمین عربض و وسیعی که گستره آن تمام و کمال به سمت غرب شهر بخارای مشهور کشیده شده است، در تومان رود شهر فوق نیز از چهار طرف (به قرار ذیل) محدود شده است؛ از شرق قسمتی از آن به جاده عمومی و قسمتی به زمینی نی‌زار به نام ریگستان و کاه‌فروشان^(۷)؛ از جنوب به نوار ممنوعه کانال مشخص شده شهر فوق؛ از شمال، قسمتی از آن به دریاچه‌ای مشخص و قسمتی به گورستان مسلمانان، که به صورت زمین مرتفعی است، و در ضمن خواجه کعبان نیز نامیده می‌شود؛ از غرب، قسمتی از آن به زمین تل‌چاه‌بیخ و قسمتی از آن به زمین دریاچه‌های مشخص شده. حد و مرز آن از همه طرف و همه نظر مشخص است.

و دیگری^(۸)، آبادی اسباب عین‌الدین از تومان خوتفر که از چهار طرف (به قرار ذیل) محدود شده است؛ از غرب، قسمتی از آن به زمین کاتا و قسمتی به شوره‌زار؛ از شرق، قسمتی از آن به نوار ممنوعه کانال عمومی؛ از شمال به زمین اریاب کاتا^(۹). از جنوب به زمین شوره‌زار. حد و مرز آن از همه طرف و همه نظر مشخص است.

در پایان متن، مهر «سلطان امیر حیدر» زده شده، سربند آن با مهر قاضی میرزا احمدفاضل، پسر میرزا محمدامین تأیید شده است.

در ادامه، و بعد از اندکی فاصله، این موارد به صورت قسمتی مجزا از سند نوشته شده است:

توصیف چهار حدود مزار آقای اقدس، و الا مرتبت و محترم امیر احمد سامانی، رحمة الله علیه، پسر اعلی حضرت امیر اسد سامانی، که در خارج از قلعه قدیمی بخارا، در خیابان چهارگنبدان، در حومه غربی شهر یادشده واقع شده مسلم‌گردیده است؛ از شرق به جاده عمومی جنب مزار یادشده و قسمتی از آن به گورستان مسلمانان که مکان مرتفعی

است، ولی سه طرف دیگر به آرامگاه مسلمانان منتهی شده که مکان مرتفعی است. حد و مرز آن از همه طرف و همه نظر مشخص است.

مهر: سلطان امیر حیدر

بعد از این قطعه، دوباره قسمتی از کاغذ سفید است و سپس نقش مهر قاضی میرزا احمدفاضل، پسر میرزا احمدامین بر آن خورده است. دنباله آن همانند آغاز سندی جدید دارای این عنوان عادی است:

هوالعالم

روز نهم ماه شوال سال ۲۵۴ (اول اکتبر سال ۱۸۶۸م) اعلی حضرت به آسمان هفتم عروج نمودند. فخر زمانه، شاهنشاه دوران که تاج شاهی را به شاهان جهان بخشیده و خوشبختی را به خاقانان مقتدر نمایانده است، پادشاه روشن روان و عادل، اعلی حضرت پادشاه اسماعیل سامانی، پسر اعلی حضرت امیر احمد سامانی، پسر امیر اسد سامانی آبادی‌هایی را که در ابتدا جهت تعیین حد و مرزشان درباره آنها صحبت شده است تمام و کمال تبدیل به موقوفات درست، لازم الاجرا و قانونی نموده است، البته بدون گورستان مسلمانان و جاده‌های مخصوص رفت و آمد عمومی، حوض‌ها، و روستاهایی که این آبادانی‌ها در آنها واقع شده‌اند و قانوناً مستثنی از این امر هستند. در ضمن آبادی‌های نام برده در تملک اشخاص دیگر نبوده و فارغ از آن مواردی هستند که می‌توانند مانع اجرای وقف شوند. او این موقوفات را تا ابد و به قرار ذیل وقف فرزندان خود و فرزندان فرزندان خود، و فرزندان فرزندان خود، و آن کسانی که نسل به نسل و قرن به قرن از یکدیگر زاده می‌شوند، و سرانجام وقف مسلمانان مستمند نموده است. فرزندان اعلی حضرت می‌توانند مطابق قانون خداوند عالم پیرامون تقسیم ارث: مرد دو برابر زن، درآمد حاصل از این اراضی را بین خود تقسیم نمایند: (لذکر مثل حفظ الاتین). و واقف مذکور شرطی را مقرر نمود مبنی بر اینکه هیچ موجود زنده‌ای حق برداشت هیچ‌گونه سهمی از موقوفات نام برده در ابتدای این سند را نداشته باشد و اگر کسی با زور و تعدی حتی یک سکه مسی از این موقوفات را برداشت نماید تا ابد مستوجب لعن و نفرین باشد. در ضمن اعلی حضرت، واقف مذکور، شرطی را مقرر نمود مبنی بر این که تولیت اراضی نام برده بالا که حد و مرزش توصیف شده است و شیخ مزاری که قبلاً به ذکر آن پرداخته شد، فاضل‌ترین فرزند از فرزندان اعلی حضرت باشد و به سبب اداره امور اراضی، یک‌دهم کل درآمد حاصل از این موقوفات، و برای اجرای مسؤلیت‌های شیخ یک‌ششم آن را برداشت نماید و سپس مابقی را بین ورثات تقسیم نماید و خود نیز همانند سایر ورثات سهمی برداشت نماید. ولی اگر تمام فرزندان از نظر فضل با هم برابر باشند، در آن صورت درست‌کردارترین فرزند او متولی باشد، و اگر در این مورد هم آنها برابر بودند، در آن صورت تولیت با متدین‌ترین فرزند است، و اگر در این باره هم آنها برابر بودند در آن صورت باید قرعه بکشند. و هر وقت قرعه به اسم هر کسی درآمد، آن‌کس متولی و شیخ مزار باشد. شرط دیگر اعلی حضرت، واقف، نیز مبنی بر آن است که باغداران بزرگ چیزی از این موقوفات برداشت ننمایند و اگر این کار را با زور و تعدی انجام دهند، در آن صورت مورد غضب پروردگار قرار گیرند. اعلی حضرت، واقف، شرطی را مقرر داشته مبنی بر این که شرایط این موقوفات تغییر نیابد تا زمانی که تغییر آن سودمند تشخیص داده شود. پناه‌دهنده قانون قاضی شرف محترم، پسر قاضی جمال‌الدین، قاضی شهر مذکور در جریان دعوا، درباره صحت و لازم الاجرا بودن این موقوفات راه حلی را پیشنهاد نمود مبنی بر اینکه، با آگاهی از موارد اختلاف نظریه قانون‌دانان عالم بدانید که وقف درست، لازم الاجرا و ابدی الی ان یرث الله الارض و من علیها و هو خیر الوارثین ﴿فمن بدک بعد ماسمعه فانما اثمه علی الذین یدلونک﴾^(۱) و همه آنها در حضور (شاهدان) عادل و مطمئن بود.

مهرها: ۱. سلطان امیر حیدر. ۲. خادم الفقرا، محب الصلحا، همفکر علما، قاضی القضاة، قاضی میرزا محمدفاضل بن میرزا محمدامین.

سپس صورت جلسه دعوا به همراه راه حل قاضی که وقف بودن زمین‌های مورد اختلاف را تأیید می‌کند، فرامی‌رسد:

در حال حاضر دارنده عالی مرتبت جوان مردی، امیر نصر پسر اعلی حضرت امیر احمد در دارالقضای پایتخت سلاطین، شهر مشهور بخارا حضور یافته و با خود شخصی معتمد از سلاطین به نام میرزیان پسر ابومنصور را آورده است. بعد از آنکه موقوفات نام برده در بالا با شرایط توصیف شده در آغاز، قرائت شد، او در برابر شخص قاضی مذکور، در شهر نام برده و با حضور خواننده بر علیه شخصی که همراه خود آورده بود اقامه دعوی نمود و در دعوی خود اینچنین اظهار



مقبره

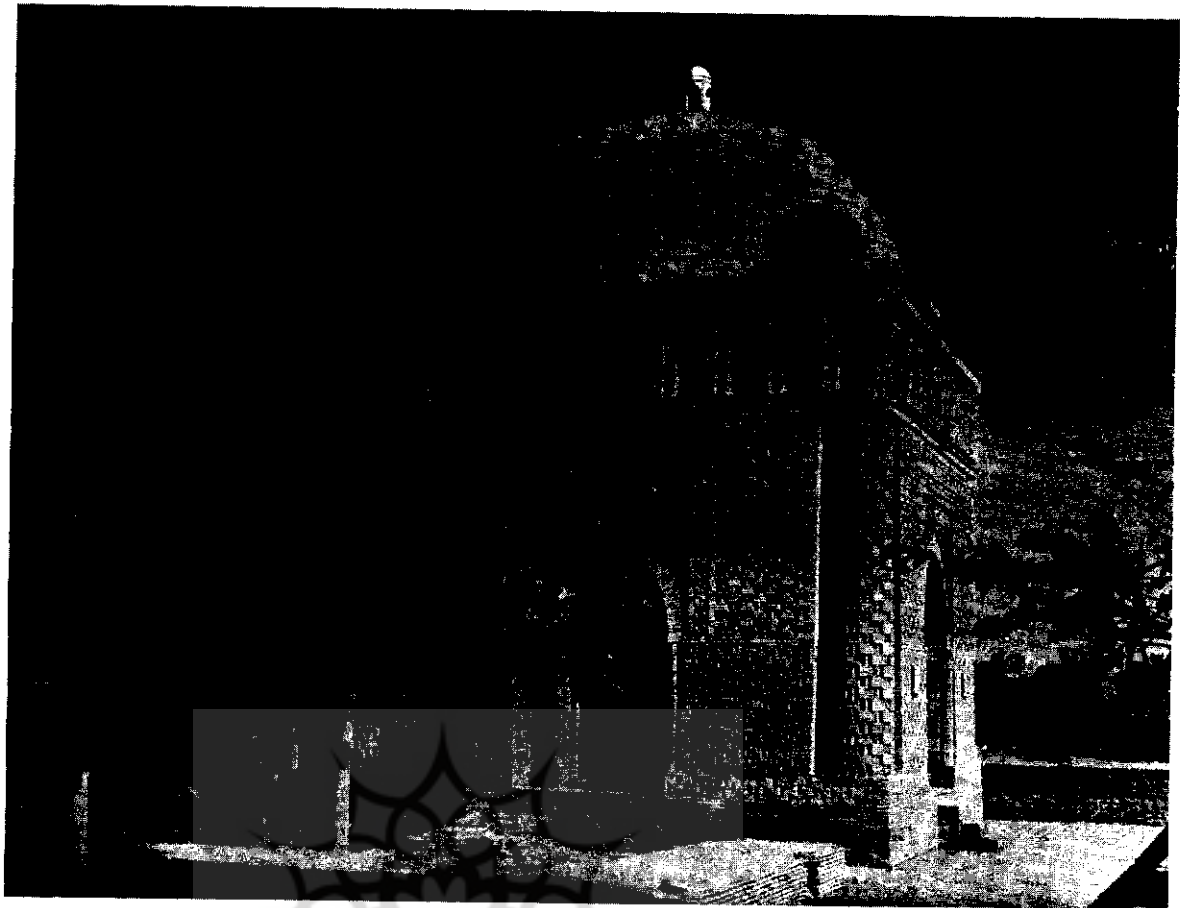
اسماعیل سامانی، بخارا

ماخذ:

آثار الاسلام التاريخی

فیالاتحاد السوفییتی،

تاشکند، ۱۹۶۲ تصویر ۱.



نمود:

«اعلی حضرت که در بالا از او به عنوان واقف نام برده شده است - عدالت او مستدام باد - این زمین ها را که حد و مرزشان در بالا توصیف شده است با تمام متعلقانش در زمانی وقف نمود که آنها طبق قانون جزو املاک اعلی حضرت به حساب می آمدند. تولیت موقوفات درست، لازم الاجرا و قانونی با شرایطی واقعی و به نفع مصارف فوق الذکر، مطابق آنچه که در سند آمده است، به من سپرده شد. حال تصمیم با شماست، - یعنی شما قاضی شهر نام برده ای که از او فرمان برداری می کنند - تا نسبت به صحت و لازم الاجرا بودن این وقف راه حلی پیشنهاد نمایید. در حال حاضر، این خوانده، دارنده این زمین های وقفی می باشد، در صورتی که او حق این کار را ندارد و آن را با زور و تعدی تصاحب نموده و هم اکنون این زمین ها به صورت ناصواب در اختیار او می باشند. از شما قاضی اسلام - نیک نامی شما مستدام باد - تقاضا دارم دستور مجازات این خوانده را بفرمایید تا او این زمین های وقفی نام برده در بالا را به من بازگرداند، تا من آنها را در جهت منافع اوقاف به مصرف برسانم. بعد از آنکه این دلایل مستدل و روشن، مطابق عدالت و آنچه که در قانون آمده، برای دارنده زمین های وقفی نام برده در ابتدا، بیان گردید، از خوانده خواسته شد تا به این ادعا پاسخ گوید. او قانونی و معتبر بودن این زمین های وقفی، و همچنین راه حل قاضی فوق الذکر درباره صحت و لازم الاجرا بودن وقف را رد کرد. سپس از مدعی خواسته شد تا دلایل روشن جهت واقعی بودن دلیل خود ارائه نماید. او دو نفر از افراد خردمند و سخنور آزاده ای را که از نظر عدالت سرآمد و شهادت آنان مورد قبول همه بود به دارالقضا آورد. هر دوی آنان یعنی آقا خواجه رفیع الدین پسر خواجه شمس الدین پسر خواجه بدرالدین، و ملا یادگار پسر ملا دوست یار، پسران ملا علی محمد، بعد از اقامه دعوی و استماع سخنان آن شخص و رد دلایل خوانده و تقاضای شهادت از این دو شهود در همین خانه نام برده، با کلمات و مفاهیم یکجور و یکسان، نسبت به هر دو مورد اتهام سنگین، شهادت دادند. شهادت هر یک از این دو شهود چنین بود: «من شهادت و گواهی می دهم که اعلی حضرت واقف - عدالت او مستدام باد - زمین های توصیف شده فوق را به موقوفات صحیح، لازم الاجرا و قانونی تبدیل نمود. این عمل در زمانی صورت گرفت که این زمین ها طبق قانون در تملک اعلی حضرت بودند و جزو حق و حقوق غیر نبوده و موردی نداشته تا مانعی برای اجرای وقف به نفع فرزندان، فرزندان فرزندان، فرزندان فرزندان و فرزندان فرزندان فرزندان او با شرایط صحیح گردد. پس، همان گونه که در سند موقوفه نوشته شده و شما، که قاضی اسلام هستید و احکام این قانون مقدس را در شهر نام برده در

بالا و مکان‌های متبوع آن به مورد اجرا می‌گذارید، راه‌حلی دربارهٔ صحت و لازم‌الاجرا بودن این وقف ارائه نمایند مبنی بر اینکه باید این زمین‌هایی که وصفشان در ابتدا آمده است و به طور ناصواب در دست و اختیار این شخص خوانده است، از او گرفته شود و در اختیار این مدعی قرار گیرد تا او قدرت ادارهٔ این موقوفات را داشته باشد». آنان نیز شرایط لازم را اجرا نمودند و بعد از آنکه همهٔ حاضرین سکوت اختیار کردند، او ضمن سپاس از خداوند عالم به خاطر نیک‌سیرتی و پارسایی این شهردان، زمین‌هایی را که باید نشان می‌داد، نشان داد. در این موقع برای خواننده راهی باقی نمانده بود تا (این ادعا) را انکار و یا به طریق قانونی بدنام سازد. بدین ترتیب، در دارالقضای مذکور و بنا به تقاضای مدعی، حضرت اقدس، قاضی اسلام شهر فوق‌الذکر که نام او بر روی مهر انتهایی این سند نوشته شده است نسبت به این دادخواهی یعنی وقف بودن این زمین‌ها راه‌حلی ارائه نمودند. قاضی فوق‌الذکر مطابق با شهادت این شاهدان، دربارهٔ صحت و لازم‌الاجرا بودن این موقوفه راه‌حلی مطمئن و حکمی محکم و لازم‌الاجرا ارائه نمود. ضمناً گفته شد که شخص خواننده زمین‌های وقفی فوق را به آن مدعی برگرداند تا او آنها را در جهت منافع موقوفه مذکور به مصرف برساند. این واقعه در ماه شوال سال ۲۹۴ (۱۵ ژوئیه - ۱۲ اوت سال ۱۹۰۷م) و در حضور شاهدان عادل و درست‌کردار بود.

مهر: خادم‌الفقرا، محب‌الصلحا و همفکر علما، قاضی القضاات، قاضی میرزا محمدفاضل، پسر میرزا محمد امین.
رمز یا منوگرام: دستور فوق از سوی من صادر شده است، و من خادم‌الفقرا، قاضی محمدعلی، پسر محمدولی هستم.

سپس صورت‌جلسهٔ دعوی مربوط به ادعای دیگری با مشخصهٔ عکس قبلی فرامی‌رسد:

او، فرمانروای همه!

در حال حاضر، پناهگاه عظمت، فائق پسر ارسلان، پسر میرزابان حضور یافته و اعلی حضرت ابونصر، پسر امیر احمد سامانی را با خود آورده است. او که براساس شرایط واقعی وقف، اداره‌کنندهٔ زمین‌های وقفی نام‌برده در ابتدا از سوی اعلی حضرت واقف است و در جایگاه رفیع صدور احکام شهر سپهتخت بخارای مشهور قرار دارد به حضور قاضی فوق‌الذکر اسلام رسید، که تصمیمات او لایتنیر و از شهر مشهور بخاراست. این قاضی اسلام دارای اختیار تام می‌باشد، زیرا این قدرت را از کسی به دست آورده است که به خود او تعلق دارد فرمانروایی او پایدار باد - و حال این فرد حاضر در مقابل شخصی که تام‌الاختیار و نام او در پایین این یادداشت ثبت می‌شود، نسبت به شخصی که همراه او هست اقامهٔ دعوی نموده و چنین می‌گوید: «این زمین‌هایی که وضعشان در آغاز آمده طبق قانون جزء مایملک من است و به صورت ناصواب در دست و اختیار شخص حاضر قرار دارد». او نیز در شرایطی صحیح، اعتراض قانونی نمود. بعد از آنکه مدعی برای خواننده که دارندهٔ زمین‌های فوق‌الذکر است دلالی ظاهراً منصفانه آورد. از خواننده خواستند که به ادعای او پاسخ گوید، و او چنین جواب منفی داد: «نه این فرد مدعی و نه کس دیگر نمی‌تواند بر علیه من نسبت به زمین‌های فوق‌الذکر که در تملک شخص من است ادعایی داشته باشد، زیرا این زمین‌ها طبق قانون جزء اموال اعلی حضرت، پناهگاه عدالت، واقف مذکور بوده، و او آنها را به صورت صحیح، قانونی و لازم‌الاجرا و با همان شرایط و موازین موجود در سند موقوفه به نفع فرزندان، فرزندان فرزندان و فرزندان فرزندان خود وقف نموده است». قاضی اقدس شهر ما که تصمیمات او لازم‌الاجرا می‌باشد، در جریان ادعا و تکذیب قانونی خواننده و ایراد دلایل عادلانه و آشکار و با رعایت شرایط لازم، راه‌حلی دربارهٔ وقف بودن زمین‌های فوق و به همان مفهومی که در طومار نوشته شده و آن راه‌حل مربوط به وقف بودن زمین‌های فوق، حکمی است برای تمام افراد، ارائه نمودند. از شخص مدعی تملک زمین‌های فوق خواسته شد که به تکذیب او پاسخ گوید. او اعتراف‌نامه‌ای قانونی بدین مفهوم تهیه نمود که قاضی اقدس شهر فوق که احکام او لازم‌الاجرا می‌باشد، راه‌حلی را با رعایت صحیح شرایط، دربارهٔ وقف بودن این زمین‌ها به طریق فوق، یعنی به طریقی که در طومار نوشته شده، ارائه کرده است. ولی پاسخ داد:

«این راه حل قاضی مبنی بر وقف بودن این زمین‌ها برای همهٔ افراد حکم نیست و من حق دارم نسبت به تملک زمین‌های فوق‌الذکر ادعا نمایم». سپس، بنا به تقاضای شخصی که نسبت به خواهان مدعی شده بود، برای انصراف از ادعایش راه‌حلی پیشنهاد گردید. در عین حال، همان شخص مدعی نسبت به خواننده به خاطر انصراف او مدعی گردید، زیرا خود او مدعی اموال فوق‌الذکر بود. قاضی تام‌الاختیار مذکور - که نام او در پایین همین یادداشت خواهد آمد، و افراد با دادخواست‌هایی به او مراجعه می‌کنند - راه‌حلی را ارائه نمود که مورد تکذیب فوق از سوی شخص فوق‌الذکر را که صحت این ادعا را رد کرده بود، تأیید می‌کرد، برای آنکه حکم مربوط به وقف بودن (زمین‌های) فوق که در ابتدای طومار نوشته شده حکمی است برای تمام افراد. سپس به مدعی تملک اموال فوق‌الذکر دستور داده شد که از این ادعای خود



مطابق نظر کسی که از علمای اعلم و امام اسلام به حساب می‌آید، صرف نظر نماید. و همین شخص تمام اختیاری که افراد دادخواست دهنده فوق به حضور او فراخوانده شده‌اند، درباره نکات اختلاف بین فقهای دانشمند - خداوند عالم از همه آنها خوشنودباد - آگاه گردید. این موضوع در روز ۲۶ ماه مبارک محرم سال ۲۹۴۴ هـ ق (۱۷ نوامبر سال ۱۹۰۶ م) روی داد. مهر: قاضی القضاات میرزا محمدفاضل پسر میرزا محمدامین.

بعد از این، «روایت» کوتاهی است درباره شرعی بودن راه‌حل‌های اتخاذ شده:

«ضمن آرزوی دعای خیر برای شخص او، عالی مرتبت! مواردی توسط ائمه اسلام - خداوند عالم از آنان راضی باد - در مورد مسایل ذیل گفته شده است: خالد. ضمن دارا بودن سلامت عقل و قدرت اداره اموال، آبادی‌های با فلان حد و مرز را به نفع فرزندان خود، فرزندان فرزندان خود و فرزندان فرزندان خود نسل به نسل و سرانجام به نفع مسلمانان مستمند وقف صحیح شرعی لازم‌الاجرا نمود. ولی بعد از این، قاضی اسلام شهر مشهور بخارا که احکام او لازم‌الاجرا می‌باشد، و از موارد اختلاف فقهای دین - خداوند عالم از همه آنان راضی باد - اطلاع یافت. در جریان دعوای قانونی با دلایل متصفانه و واضح و به همان گونه‌ای که قانون مقرر داشته است نسبت به وقف بودن این قسمت‌ها به نفع موارد مصرف فوق‌الذکر راه‌حلی را به همان طریقی که مقرر داشته، اتخاذ می‌نماید. و بعد از این، قاضی دیگر اسلام که اونیز درباره نکات اختلاف بین قانون‌دانان و علمای دین باخبر است، در جریان دعوای قانونی راه‌حلی را اتخاذ می‌نماید مبنی بر اینکه آیا راه‌حل قاضی اولی که در بالا از او نام برده شده است، راه‌حلی است برای تمام مسلمانان و با عقیده کسی که از زمره علمای اعلم و جوان‌مردترین قانون‌دانان به حساب می‌آید - خداوند برای او در خانه اسلام مأوایی فراهم سازد - مطابقت دارد؟ یعنی این راه حل برای تمام مسلمانان است و با شرایط (قانون مورد نظر) مطابقت دارد یا نه؟ و بعد از این، به نام کردن وقف کذب است و اعتباری ندارد، یعنی آیا او با شرایط (قانون) مطابقت دارد؟ آنها تحقیق و استنتاج کرده‌اند».

مهر: خادم الفقرا، محب‌الصلحا، همفکر علما، قاضی القضاات میرزا محمدفاضل پسر میرزا محمدامین.

برای روایات یک فتوا، استناد به شاهد مثال‌هایی از رسائل قانون‌دانان معمولی است که در این سند وجود ندارد و جوابی هم برای این مسأله وجود ندارد، پس بدین ترتیب، وقف زمانی تأیید شده و قانونی است که به طرز بیان جواب که معمولاً با کلمه «باشد» ادا می‌شود، و قسمت باریک و کشیده امضای زیر مهر قاضی توجهی نشود. غیر از آن، معمولاً روایات را با مهر مفتی‌ها تأیید می‌نمایند که در مورد مذکور رعایت نشده است.

حال به نقد متون می‌پردازیم:

در هنگام بررسی معلوم شد که تاریخ چهارم ماه محرم سال ۶۷۶ هـ به روز دوشنبه مصادف می‌شد که در ابتدای طومار روز پنج‌شنبه ذکر شده است.

صورت جلسه دعوای مربوط به ادعای نصرین احمد از میرزبان دارای تاریخ ۲۹۴ هـ معادل ژوئیه - اوت سال ۱۹۰۷ م می‌باشد، در صورتی که صورت جلسه به روز تصویب آن استناد می‌کند که تاریخ ۲۶ محرم ۲۹۴ هـ (۱۶ نوامبر ۱۹۰۶ م) است.

در ضمن، چگونه ممکن است که جانشین قاضی بخارا توانسته باشد در سال ۱۹۰۶ م یعنی در زمان حیات اسماعیل سامانی به شکایتی که از سوی وراث او مطرح شده است رسیدگی کند. دیگر آنکه، به روز تصویب (تأیید) آن استناد شده که تاریخ آن نیز ۱۰ ماه دیرتر از این زمان است ادر حقیقت، در سند سال ۸۶۸ فوق، مصوبه‌ای نیز درباره وقف بودن این زمین‌ها وجود دارد، ولی احتمال نمی‌رود که به آن استناد کرده باشند، زیرا در آنجا درباره تکذیب وقف بودن (زمین) از سوی خواننده صحبت نشده است، ولی موارد این تکذیب به صورت مبسوط در صورت جلسه سال ۱۹۰۷ م گنجانده شده است.

در متن مربوط به شرایط توزیع درآمدهای وقفی موجود، این تذکر نیز وجود دارد که وقف توسط اعلی حضرت پادشاه اسماعیل سامانی در تاریخ ۹ شوال سال ۲۵۴ (اول اکتبر ۸۶۸ م) بنیان نهاده شد؛ ولی از قرار معلوم، اسماعیل سامانی تنها در سال ۸۷۴ م و تنها بعد از مرگ نصر، برادر خود، در سال ۸۹۲ م، امیر تمام‌الاختیار و جانشین او شد. در سال ۸۶۸ م اسماعیل سامانی دارای آن عناوین و القابی نبوده است که در این سند به آنها برخوردیم.

در ادامه، در متن مربوط به توصیف حد و مرز زمین‌های وقفی چندین بار اصطلاح «تومان» به مفهوم واژه‌ای

اداری-جغرافیایی به کار رفته است، در صورتی که از آنجایی که پیداست این اصطلاح تنها بعد از حاکمیت مغولان در آسیای مرکزی بوجود آمده و سامانیان در این عصر از اصطلاح «روستا» استفاده می کردند.

زبان تاجیکی اسناد، در آنجاهایی که جملات بسیار پر آب و تاب پیچ در پیچ و پر از القاب قافیه دار با دبدبه و کبکبه هستند، با تصویری که ما از آثار خیلی بعد از آن زمان داریم، مطابقت می کند. در هر صورت، شکل قضیه با مشخصات چهار کشور جهان زمان توصیف حد و مرز این زمین ها نمی تواند به آن گونه ای باشد که در این سند به کار رفته است. این شکل به طریق ذیل به صورت تاریخی در آمده است: ما آن را از روی مدارک شش سده جور نمودیم. در عین حال معلوم شده است که این شکل از روی شکلی گسترده و توصیفی گرفته شده و بعد از ساده و کوتاه شدن تدریجی به عبارت اختصاری دوره متاخر استفاده شده است. ۲۰ تبدیل شده است. در این سند دقیقاً از روی شکل بسیار ساخت و پرداخت شده و اختصاری دوران متاخر استفاده شده است که به هیچ وجه در اسناد اولیه به آن بر نمی خوریم^(۱۵).

ضمناً بسیار شک برانگیز است که این وقف نامه درست در سال ۱۲۷۷م در شهر بخارا، که دقیقاً در همین زمان به دست مغولان تا حدودی منهدم و به غارت رفته بود، احیا شده باشد.

بدین ترتیب، بررسی انتقادی اسنادی که از روی رونوشت سده سیزدهم هستند و خود آنها از روی سند اسماعیل سامانی سده نهم برداشته شده اند ما را به این نتایج اساسی می رسانند:

۱. نسخه مذکور در ابتدای سده نوزدهم میلادی رونویسی شده، ولی نسخه ناقص و دوباره یافت شده مربوط به اواخر سده هیجدهم است؛ این موضوع از روی علم خط شناسی و مضمون مهرهای نام دار معلوم است.

۲. زبان، اصطلاحات و شکل سند دلیل بر آن است که این سند نه تنها رونویسی شده است، و در سده های نهم و سیزدهم نیز نوشته نشده، بلکه کلاً در سده هیجدهم نوشته شده است.

۳. اشتباهات موجود در تاریخ گذاری ها حدس ما را کاملاً به یقین مبدل می سازد که ما در اینجا حتماً شرحی از یک سند قدیمی را در دست نداریم، بلکه سندی است که دوباره نوشته شده است. تنها دو عامل ذیل به صورت مرموز باقی می ماند: ذکر نام کانال نوکنده، و نام قدیمی ریگستان یعنی کاه فروشان به اضافه اینکه این محل نی زار نبوده است. به هر دو اسم در تاریخ بخارای نرشنی نیز بر می خوریم. دو حدس دیگر نیز می تواند وجود داشته باشد: یا این اسامی قدیمی تا سده هیجدهم در اسامی محل ها محفوظ مانده اند، یا، اگر می شد ثابت کرد که در سده هیجدهم به هیچ وجه از این اسامی استفاده نمی شد، در آن صورت می توان گفت که تدوین کننده این سند از نسخه ای قدیمی هم به عنوان منبع استفاده کرده است. ولیکن ما با چنین داده هایی فعلاً نمی توانیم به اسامی تحقیق نشده محل های بخارای سده هیجدهم تکیه کنیم.

به هر صورت، از این سند کاملاً مشکوک سال ۱۹۱۴ به عنوان مدرکی اساسی برای ایجاد دردسر برای کشاورزان به هنگام پرداخت وجوهی به حساب «فرزندان» اسماعیل سامانی استفاده می شد. هم چنانکه از اسناد ذیل پیداست، در ابتدا، وجوه پرداختی محدود به یک دهم محصول بود (رک: ضمیمه ۲)، ولی بعد تا یک سوم محصول (رک: ضمیمه ۳) افزایش یافت. برای این وجوه از کشتزارهای گندم، پنبه، جو، ذرت، ارزن و شاه دانه جنس وصول می کردند، ولی از باغات و مرغزار پول گرفته می شد (از هر طناب ۲۰ و ۱۵ تنگا، یعنی ۱۲-۱۶ روبل به ازای هر هکتار).

صورت جلسه هایی که برای کشاورزان در مقابل وارث موقوفه ایجاد تعهد می کنند (رک: ضمیمه) ایجاد هیچ گونه سوءظنی در اصل بودن آن نمی کنند. خط، زبان، شکل صورت جلسه ها و تمام نظم و ترتیب آنها با باور ما درباره صورت جلسه های خصوصی قانونی بخارای سده بیستم که بخوبی واضح و روشن هستند و به تعداد بسیار در مخازن ازبکستان^(۱۶) موجودند، مطابقت می کنند.

نقش مهر هم ایجاد شک و تردید نمی کنند. قاضی اصلی، ملا میربرهان الدین پسر بدرالدین که نام او در مهر گرد بزرگی ضمیمه هر سه سند می باشد در حقیقت، از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۰ قاضی مهم بخارا بوده است. میرزا نصرالله قلی کوشبکی (کوشبگی)^(۱۷) که مهر بیضی شکل آن ضمیمه چهار سند می باشد، از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۷م در این سمت اشتغال داشته است. پس، وجود مهر او بر روی مدارک سال ۱۹۱۴م نیز کاملاً بجا بوده است.

به فرض که انتشار تعهدات سال ۱۹۱۴م، که به نظر می رسد، توسط آنها شکل های مشخصی از استثمار افراد زمین کار در زمین های موقوفی خان های بخارا روشن می شوند، به صورت پیوست زاید نباشد، ولی تنها بیانگر ذوق مأخذشناسی هم نیست.



◀ ضمیمه شماره ۱ ▶

هو!

بر کسی پوشیده نیست که یک قسمت از زمین موقوفه موروثی اعلی حضرت پادشاه اسماعیل سامانی که حد و مرز آن در سند موقوفه نشان داده و توصیف شده است، در محل فارکت گرمابه و خواجه ابوبای کوهی تومان سمجان واقع شده و مدتی مدید در زیر شن قرار داشته و بی فایده باقی مانده بود، بعد از مدتی این زمین از زیر شن بیرون آمده و مالیات گیرندگان زمین های دولتی سلطان آن را نیز از زمره زمین های دولتی برشمردند و در ردیف زمین های املاکی برای آن مالیات مقرر نمودند. سرانجام، در این ایام، در ماه جمادی الاول سال ۱۳۳۲ هجری، وراث و دریافت کنندگان درآمد حاصل از زمین های فوق الذکر ضمن باخبر شدن از این امر و جدا کردن زمین های موقوفه از زمین های دولتی بر اساس حدود و ثغور ذکر شده در اسناد موقوفه، آن را پس گرفتند. و روایت امامان را تنظیم نموده و برده وار به اطلاع اعلی حضرت که مرتبت او به آسمان هفتم و به مرحله ولایت آ رسیده، رساندند. به خاطر همین امر، فرمان عالی ماهوت* با مضمون ذیل افتخار انتشار یافت: «ما به خاطر زمین های وقفی فوق الذکر که از زیر شن خارج شده اند گله مند هستیم، اجازه دهید مالیات گیرندگان به سراغ زمین های فوق نروند و زمین کاران آنها وجوه مربوط به سهم قانونی وراث موقوفه را مطابق شرایط وقف نامه به آنان پرداخت نمایند». بر این اساس ما نیز راه حلی درباره وقف بودن آنها بر اساس روایت امامان و فرمان عالی ماهوت که دادگاه عالی پناهگاه قانونمندی آن است و مهر اشخاصی در پایین آن زده شده، ارایه می نمایم و مهر می زنیم. این، چیزی بود که نوشته شده بود. و این موضوع در حضور شاهدان معتمد بود. حاضرین در جلسه:

مهرها: ۱. قاضی القضاات قاضی ملا میر برهان الدین پسر قاضی القضاات ملا میر بدرالدین ۲. میرزا نصرالله قلی کوشبقی.

۱. منظور «الله» است. این کلمه معمولاً در ابتدای صورت جلسات آسیای مرکزی آمده است.

۲. مارس - آوریل سال ۱۹۱۴.

۳. یعنی به امیرعلیم بخارایی (۱۹۱۰-۱۹۲۰).

۴. کلمه ماهوت به نظر می رسد که باید مربوط به حکمی باشد که قاضی اسلام در ماه شوال سال ۲۹۴ مصادف با ۱۵ ژوئیه - ۱۲ اوت سال ۱۹۰۷ م برای وقفی بودن زمین ها صادر نمود.

۴. اصطلاح «سرجم» در سایر اسناد نوشته نشده است، به نظر می رسد، در اینجا به معنی ذیل است. «جمعیتی که جامعه را اداره می کنند».

۵. قره اولیبغی؛ یکی از صاحب منصبان متوسط درباری در خانات بخارا.

۶. امین؛ در اصطلاح اداری بخارا به کدخدای ده می گفتند.

۷. رئیس؛ در بخارا به شخصی مشابه محتسب خاور نزدیک اطلاق می شد. وظیفه او نظارت بر صحت مقدار و وزنه های بازار و رعایت کلی قوانین شریعت بود.

۸. میرآنخور؛ صاحب منصب درباری که از نظر درجه در مقام بعد از قره اولیبغی قرار داشت.

◀ ضمیمه شماره ۲ ▶

توصیف حد و مرز زمین ممالک و ملک دهقانی است که از موقوفات موروثی خواجه اقدس پادشاه اسماعیل سامانی رحمت (خداوند) بر او باد - می باشد و در محل آبادی گرمابه تومان سمجان واقع شده و از توابع بخارای ارزشمند است. حد و مرز (زمین های) وقفی آبادی مذکور به قرار ذیل است: از غرب به زمین مواتی راه دارد که به هیچ کس تعلق ندارد و گستره آن به مرز خوارزم می رسد؛ از شمال به زمین کاکیشتوان (قاقیشتوان)، از شرق به زمین آبادی پارکت؛ از جنوب به زمین شخم زده آبادی خواجه دیزه که شخم زار معروفی است، راه دارد، و قسمتی به جاده. حدود آن از همه طرف، با تمام حق و حقوق ها و زمین ها، آب ها و کانال های آنها مشخص شده است. در ماه جمادی الاول سال ۱۳۳۲ ارباب باقی پسر رجب بای، ارباب فولاد پسر عبدالعزیزبای، بابا عمر بای پسر نوربای، بابا ظاهر بای پسر عبدو ناظر بای، روزی بای پسر رجب بای، کمال بای پسر قطام بای، بازار بای پسر عبدالرحیم بای، عبدالرسول بای پسر صفر بای، سلطان بای پسر عبدالعزیزبای، سرجم آ و شخم کاران قسمت فوق الذکر از محل نام برده در بالا، در خانه داوری (دارالقضا) تومان سمجان حضور یافتند. دادخواستی صحیح و قانونی درباره موارد ذیل تهیه نمودند: ما، دادخواست دهندگان، سرجم و شخم کاران قسمت نام برده در ابتدا هستیم و همیشه به کار گندم کاری و شخم زنی در زمین فوق الذکر مشغول می باشیم. ما دادخواست دهندگان مطابق شرایط واقف یک دهم سهم از درآمد حاصل از زمین های موقوفی را به ورثه قانونی آن پرداخت خواهیم نمود، با توافق قدرت الله خواجه که ورثه قانونی موقوفات فوق الذکر است. این کار در حضور مسلمانان صورت گرفت.

حاضران در جلسه: آقایان تام الاختیار عبدالعلیم بیگ، قره اولیبغی، خادمین دروازه های آستانه، عبدالمؤمن بای، یعقوب خواجه امین، ارباب مقصود و سایرین.

مهرها: ۱. قاضی ملا محمد زین الدین پسر ملا امام الدین، صدراعظم؛ ۲. میرزا نصرالله قلی کوشبقی؛ ۳. قاری ملانصرالله رییس؛ ۴. میرآچیلدی بیگ میرآنخور.

◀ ضمیمه شماره ۳ ▶

هو!

بر کسی پوشیده نیست که یک قسمت از زمین موقوفه موروثی اعلی حضرت پادشاه اسماعیل سامانی که حد و مرز آن در سند موقوفه نشان داده شده و توصیف شده است و در محل های فارکت، گرمابه و خواجه اوپان کوهی تومان سمجان واقع شده بود مدتی مدید در زیر شن قرار داشت و بی فایده باقی مانده بود بعد از مدتی از زیر شن بیرون آمد و مالیات گیرندگان زمین های دولتی سلطان آن را نیز از زمره زمین های دولتی برشمردند. سرانجام در همین ایام بر اساس عالیترین فرمان (این زمین) در سند موقوفه گنجانده شد و به همین سبب، این پیام بسیار فرخنده، افتخار آن را یافت که به دنیای بیرون راه یابد (چاپ گردد). روز چهارم ماه جمادی الاخر سال ۱۳۳۲ هزار و سیصد و سی و دو هجری^۱ ارباب فولاد، امام غول بای، عظیم بای، شاه مراد بای، نیاز علی بای، جورابای، بابا جان بای، عبدالرسول بای، حاجی بای، بابا رحمت بای، عادل بای، رجب بای، کمال بای، ارباب عبدالباقی، بابا عبدی بای، شیرمحمد بای، عبدالمؤمن بای، احرارخواجه و سایر ساکنان و شخم کاران زمین هایی که حد و مرزشان در بالا مشخص گردیده، در دارالقضای تومان سمجان حضور یافتند. اعترافنامه ای قانونی که اعتماد را جلب می نمود درباره موارد ذیل تهیه نمودند: ما، دادخواست دهندگان، سرآمد^۲ و شخم کاران زمین های (فوق الذکر) هستیم که بر اساس روایت ائمه و حکم عالی ماه اوت موقوفه موروثی پادشاه اقدس اسماعیل سامانی می باشد.

بدین سبب، ما دادخواست دهندگان از این به بعد مطابق شرایط واقف و حکم عالی ماه اوت هر ساله از برداشت محصول زمین های وقفی از کشتزارهای گندم، پنبه، جو، ذرت، ارزن و شاه دانه به اندازه یک سوم محصول ولی از علفزارها و باغات به ازای هر طناب علف ۱۵ تنگا و هر طناب زمین زیر کشت باغات ۲۰ تنگا به وراثت قانونی زمین های وقفی فوق الذکر پرداخت می نماییم. با توافق قدرت الله خواجه ورثه قانونی موقوفات فوق الذکر: این موضوع در حضور (اشخاص) معتمد بود.

حاضرین در جلسه: (امضاها)

مهرها: ۱. قاضی ملا سو حامد زین الدین پسر ملا امام الدین؛ ۲. قاری ملا نصرالله رئیس پسر ملا مقیم.

◀ ضمیمه شماره ۴ ▶

هو!

برای قلب هایی که مال اندیشی را اهدا نموده اند، واضح و مبرهن و با دلایلی ثابت شده است که آن قسمت از زمین نام برده در آغاز که حد و مرز آن در سند موقوفه به قرار فوق الذکر به وصف درآمده بر اساس حکم عالی ماه اوت و روایت امامان، و همچنین اعترافنامه ها و دادخواست شخم کاران از زمره موقوفات می باشد. بدین سبب فرد نمازگزاری که دارای شخصیت بسیار بالایی می باشد بنا به تقاضای وارث و تحویل گیرنده درآمدهای حاصل از موقوفه فوق الذکر (در پایین آن) مهر زده و با استعانت از درگاه خداوند عالم آرزو کرده که این ورثه نام برده بعد از دریافت سهم موقوفه خود از شخم کار مطابق شرایط واقف، هزینه های لازم را پرداخت نماید.

مهر: قاضی القضاة، قاضی ملا میر برهان الدین پسر قاضی القضاة ملا میر بدرالدین.

◀ ضمیمه شماره ۵ ▶

اعلی حضرت امیر راشدین، رضی الله عنه.

ذکر حد و مرز یک قسمت از زمین موقوفه موروثی پادشاه اقدس اسماعیل سامانی -رحمة الله علیه- که حد و مرز آن مشخص و در اسناد وقفی آن توضیح داده شده است، در محل گرمابه واقع شده که هم اکنون با عنوان ایشان صاحب مشهور است (سهم آب آبیاری آن ۲ ماردیقوراگی - لویکان است) و یک قسمت از زمین موقوفه موروثی پادشاه اقدس اسماعیل سامانی -رحمة الله علیه- که حد و مرز آن از چهار طرف مشخص و در سند وقفی شرح آن آمده، در محل فارکت واقع شده که هم اکنون با عنوان شوق پایون معروف است و دارای یک ماردیقوراگی سهم آب آبیاری آن می باشد،

۹. ۳۰ آوریل ۱۹۱۴.
۱۰. مشابه کلمه «سرجمع» (رک: حاشیه ۴) است. تا آنجا که پیداست، این اصطلاح در دیگر منابع نیامده است.
۱۱. در سند شماره ۳۶۵ موزه بخارا (فرمان خان در آغاز سده هیجدهم) نیز از این اصطلاح به عنوان واحد اندازه گیری آب های آبیاری دیده شده است.



در تومان سمجان نیز واقع شده که مدتهای مدید زیر شن و انگاری فایده بود. بعد از مدتی آنها از زیر شن خارج شده‌اند و مالیات گیرندگان زمین‌های دولتی آنها را از زمره زمین‌های دولتی به حساب آورده‌اند و برای آنها در ردیف زمین‌های املاکی مالیات مقرر داشته‌اند. در روزگار ما، آنها بر اساس عالی‌ترین حکم در سند موقوفه گنجانده شده و به همین سبب این پیام بسیار فرخنده افتخار آن را یافت تا به دنیای بیرون راه یابد. روز سیزدهم ماه محترم رجب سال ۱۳۳۲ ناربای پسر تورسون فولادبای، عبدوشکوربای پسر تورسونبای، عبدی‌بای پسر تورسونبای، بابا سیدبای، نوروزبای پسر همدبای، مأموربای پسر تورسونبای، ایرنافاس‌بای پسر قربان‌بای، روزی‌بای پسر مرادبای، شریف‌بای پسر بارش (؟) بای و سایر ساکنان و شخم‌کاران زمین‌های نام‌برده در بالا که وصف آنها در آغاز آمده است، در دارالقضاء تومان سمجان حضور یافتند و دادخواستی قانونی که اعتماد را جلب می‌نمود، درباره موارد ذیل تهیه نمودند: ما دادخواست‌دهندگان، شخم‌کاران قسمت فوق‌الذکر و در ضمن زمین‌هایی هستیم، که براساس روایت امامان و فرمان عالی ماهوت، موقوفه موروثی پادشاه اقدس اسماعیل سامانی -رحمة الله علیه- شده‌اند. از این به بعد مادادخواست‌دهندگان، هر ساله یک‌چهارم محصول زمین‌های فوق‌الذکر را به ورثه نام‌برده موقوفات فوق‌الذکر با توافق قدرت‌الله خواجه، ورثه قانونی موقوفات فوق‌الذکر پرداخت خواهیم کرد. این موضوع در حضور مسلمانان بود. حاضرین در جلسه: ملا سلطان یعقوب، خواجه امین، جورامین، احرار خواجه، کرامت‌الله خواجه و سایرین. مهرها: ۱. قاضی القضاات زین‌الدین پسر ملا امام‌الدین صدرالعلم؛ ۲. قاضی ملا نصرالله پسر ملا مقیم.

ضمیمه شماره ۶

مساحت یک قسمت از زمین موقوفه موروثی پادشاه اقدس اسماعیل سامانی -رحمة الله علیه- که با عنوان شوق‌پایون مشهور است، در محل فارکت واقع شده و حد و مرز آن در سند وقفی آن توصیف شده است. سهم آب آبیاری آن یک ماردیقورگی است که از کانال خواجه اوبان تأمین می‌شود. حد و مرز همه طرف آن مشخص است. روز ۱۸ ماه محترم رجب سال ۱۳۳۲" ارباب عبدالباقی، ارباب فولادبای، بوران‌بای، بازاربای، سلطان‌بای، عارف‌بای، نیازبای، عبدالغفاربای، شریف‌بای، فرزندان عبدولی‌بای و سایر ساکنان و شخم‌کاران زمین‌های نام‌برده در ابتدا در دارالقضای تومان سمجان حضور یافتند و دادخواستی قانونی که اعتماد را جلب می‌نمود درباره موارد ذیل تهیه نمودند: ما دادخواست‌دهندگان، شخم‌کاران زمین‌های با مرزبندی‌های فوق‌الذکر، همچنین زمین‌هایی هستیم که براساس روایت امامان و حکم عالی ماهوت، موقوفه موروثی پادشاه اقدس اسماعیل سامانی -رحمة الله علیه- می‌باشد. از این تاریخ، ما هر ساله یک‌چهارم محصول برداشت‌شده از زمین‌های فوق را به ورثه قانونی موقوفات فوق تحویل خواهیم داد. و این مورد در حضور معتمدان بود.

حاضرین در جلسه: ملا سلطان یعقوب، خواجه امین، جورامین، احرار خواجه، کرامت‌الله خواجه. مهرها: ۱. قاضی القضاات ملا محمدزین‌الدین پسر ملا امام‌الدین صدرالعلم؛ ۲. قاری ملا نصرالله رئیس، پسر ملا مقیم.

ضمیمه شماره ۷

روز دهم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۳۲" ارباب عابدبای پسر قایل‌بای، قصاب ملا محمدجمعه پسر یولداش‌بای، صفربای پسر ارباب عظیم‌بای، ارباب عبدالمؤمن‌بای پسر عبدالرزاق‌بای، عظیم‌بای پسر صادق‌بای، عبدالکریم‌بای پسر یولداش‌بای، بالقابای پسر دوست‌بای، کامل‌بای پسر تیموربای، قصاب سعیدمرادبای پسر یولداش‌بای و سایر شخم‌کاران زمین فارحد که در حال حاضر باخچه نامیده می‌شوند، در دارالقضاء تومان سمجان حضور یافتند و با احترام دادخواستی قانونی درباره موارد ذیل تقدیم نمودند: زمین‌های فوق‌الذکر باخچه از موقوفات پادشاه اقدس اسماعیل سامانی -رحمة الله علیه- می‌باشد. از این زمان ما به قدرت‌الله خواجه پسر عبادالله خواجه، ورثه قانونی موقوفات نام‌برده از محصول گندم، پنبه، جو، ارزن و غیره هر ۲ عشر از سهم وقف، و برای هر طناب باغ ۲۰ تنگا، و برای هر طناب علف ۱۵ تنگا پرداخت می‌نماییم. در ضمن، ما (در برابر این وجه) جوابگو خواهیم بود و از سایر اعتراضات و مشکل تراشی‌ها نیز پیروی نخواهیم کرد. با توافق ورثه فوق‌الذکر که بر اساس قدرت تفویض شده به او، عمل می‌کند.

این موضوع نیز در حضور معتمدان بود.

حاضرین در جلسه: آقایان تام‌الاختیار، پناهگاه سلحشوری، میرنی میرآخور محرم یاسانول، ارباب فولاد، ارباب باغی، حاجی ملا عبدالؤمن تاریکچی، قربان بیگ میرزاباشی، شخص پناه‌دهنده وزارت، یعقوب خواجه ایمن، ارباب مقصود، عبدوشکور، ناربای، اموری، ارباب بالتا، عبدالرسول، بابا جان‌بای، بابا رحمت‌بای، آستانه امین، جورامین، عبدالخالق خواجه، کمال مفضوم، ملا جورامین، میرزا عارف.

مهرها: ۱. میرزا نصرالله بیغون کوشبقی، ۲. قاضی ملا محمدزین‌الدین پسر ملا امام‌الدین صدرالمعلم.

▽ پی‌نوشت

۱. اسماعیل سامانی (۸۴۹-۹۰۷م) حکمران بخارا، بنیانگذار اقتدار دودمان سامانیان.
 ۲. یعنی مدارک مربوط به خارج‌سازی اموال از گردش قانون مدنی و وقف درآمد حاصل از آنها تا ابد برای اهداف خدایندانه، و گاهی به نفع فرزندان اعانه‌دهنده.
 ۳. زمانی که این مقاله نوشته شد، در بایگانی دولتی مرکز تاریخ جمهوری ازبکستان نسخه دوم همین سند پیدا شد که از نظر تحریری اختلاف اساسی چندانی با متن ما نداشت، ولی از صحت کمتری برخوردار بود.
 ۴. محمد نرشخی، تاریخ بخارا، مترجم روس ن. لیکوشینا، تاشکند، ۱۸۹۷، صص ۲۳، ۲۴، ۳۷ و ۳۹.
 ۵. همان، ص ۳۹.
 ۶. رمیتن Ramitan کنونی، ناحیه‌ای به سمت غرب شهر بخارا.
 ۷. ناحیه‌ای در سمت جنوب غربی بخارا.
 ۸. حومه جنوبی بخارا.
 ۹. روستای کنونی زندان، در فاصله ۴۰ کیلومتری بخارا به سمت شمال.
۱۰. در اینجا، به نظر می‌رسد، در متن چیزی از قلم افتاده است.
 ۱۱. طبق کتاب نرشخی، دروازه‌های غربی طاق بخارا در سده دهم به نام دروازه‌های ریگستان نامیده می‌شدند ولی در سده دوازدهم به نام دروازه‌های کاه‌فروشان نامیده شدند. (محمد نرشخی، همان، صص ۱۵ و ۳۳)
 ۱۲. در حواشی مدرک، متنی ضمیمه آمده است.
 ۱۳. انتهای ضمیمه.
 ۱۴. سوره بقره، آیه ۱۸۱.
 ۱۵. رک: مثلاً، سند سده چهاردهم، به شماره ۱۰۸۷ موزه سمرقند، اسناد خواجه احرار؛ سده پانزدهم، به شماره ۱۸ انستیتوی نسخه‌های خطی شرق و به شماره ۱۲۰۲ بایگانی دولتی مرکز تاریخ جمهوری ازبکستان.
 ۱۶. رک: او. د. چخوویچ، مجموعه صورت‌جلسات شرقی ازبکستان «بولتن آکادمی علوم ازبکستان»، ۱۹۴۷، شماره ۴؛ همان، مجموعه صورت‌جلسات شرقی آکادمی علوم ازبکستان «یادداشت‌های تاریخی»، جلد ۲۶، صص ۳۰۶-۳۱۱.
 ۱۷. در سده‌های ۱۹-۲۰ وزیر اعظم امیر بخارا چنین نامیده می‌شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی